

## سندروم «طولانی بود؛ نخواندم» چیست؟!

همه شما با سندروم TLDR (یا Too long; didn't read طولانی بود؛ نخواندم) آشنا هستید؛ جمله‌ای که اغلب در کامنت‌های مربوط به متن‌های طولانی دیده می‌شود. عده‌ای معتقدند چون وقت طلاست، بایستی در کوتاه‌ترین زمان ممکن جان کلام گفته شود.



با استناد به جمله پاسکال: **ببخشید که نامه‌ام طولانی شد، اگر زمان بیشتری داشتم، نامه کوتاه‌تری می‌نوشتیم**، این افراد اعتقاد دارند که خیلی از متون طولانی، دارای جملات حاشیه‌ای و اضافی هستند و اگر زمان بیشتری بر روی متن و بازخوانی آن گذاشته می‌شد، تعدادی از جملات قابل حذف بودند و متن نیز کوتاه‌تر می‌شد.

عده‌ای هم معتقدند که خواندن متن‌های طولانی و تحلیلی به معنای اتلاف وقت نیست و اصلاً شیوه درست مطالعه همین است. به قول محمد عابدینی، این افراد آلوده "**فرهنگ سه خطی**" که می‌گوید: اگر نوشته‌ای بیش‌تر از سه سطر شد، نخوان؛ نشده‌اند. به اعتقاد آنها کسی که در طول روز مطالب کوتاه بسیاری می‌خواند و در انتهای روز ناتوان از تحلیل یکپارچه این مطالب است، وقتش را تلف نموده است. در صورتی که خواندن چند متن تحلیلی، زمان کمتری نسبت به این همه مطالب نامرتب، به خود اختصاص خواهد داد. مانند کسی که تمایلی به دیدن یک فیلم سینمایی دو ساعته ندارد ولی چندین قسمت یک سریال را در طول روز مشاهده می‌کند.

در این قسمت به صورت علمی و با توجه به پژوهش‌های مختلف دلایل سندروم TLDR تبیین می‌شود.

1. یکی از موضوعات مرتبط با این سندروم، بحث «فراخوانی توجه (Attention span)» می‌باشد.

به مدت زمانی که یک فرد بدون حواس پرتی می‌تواند روی فعالیتی تمرکز کند، فراخنای توجه گفته می‌شود. مطابق با این فرضیه، برخی افراد نمی‌توانند مدت زمانی طولانی روی یک موضوع تمرکز کنند و به همین دلیل تمایلی به خواندن متون طولانی ندارند.

خبر خوب این است که مطابق با مطالعات پژوهشگران دانشگاه ملبورن، فراخنای توجه در طول سال‌ها تقریباً ثابت بوده است. به عبارت دیگر فراخنای توجه که توسط سیم کشی عصبی قسمتی از مغز هدایت می‌شود، در طول نسل‌های مختلف تغییر نکرده است؛ به همین دلیل فراخنای توجه یک فرد ۲۰ ساله در سال ۲۰۱۵ تقریباً به همان اندازه یک فرد ۲۰ ساله در سال ۱۹۳۵ است. چیزی که تغییر کرده میزان بسیار زیاد اطلاعاتی است که افراد در معرض آنها قرار دارند. به ویژه این که تکنولوژی‌های امروزی به صورت پیوسته باعث حواس پرتی افراد می‌شوند.

2. موضوع دوم بحث "لذت فوری (Instant gratification)" است که به تمایل به دریافت فوری و بدون تاخیر پاداش اطلاق می‌شود.

احتمالاً درباره آزمایش معروف مارشملو شنیده‌اید. در این آزمایش روی میز، یک خوراکی مارشملو قرار داده می‌شد و به بچه‌ها گفته می‌شد اجازه دارند تا مارشملو را بخورند؛ ولی اگر ۱۵ دقیقه صبر کنند و به مارشملو دست نزنند، علاوه بر آن مارشملو، یک مارشملوی دیگر هم جایزه می‌گیرند. نتایج نشان داد گروهی از بچه‌ها می‌توانستند بر وسوسه دریافت لذت فوری مقاومت کنند و گروهی دیگر هم جایزه می‌گیرند. نتایج نشان داد گروهی از بچه‌ها می‌توانستند بر وسوسه دریافت لذت فوری مقاومت کنند و گروهی دیگر هم جایزه می‌گیرند.

در واقع تمایل به دریافت لذت فوری است که باعث می‌شود بعد از امتحانات دوست داشته باشیم تا نمرات بلافاصله اعلام شوند؛ بعد از گذاشتن یک پیام در یک گروه تلگرامی، بی‌درنگ منتظر واکنش سایرین باشیم؛ به غذاهای فست فودی روی بیاوریم؛ و تحمل خواندن یک متن طولانی را نداشته باشیم؛ چون دوست داریم هرچه زودتر به لذت بعد از خواندن متن دست یابیم؛ اگر طنز است زودتر بخندیم، اگر مهیج است، زودتر سورپرایز شویم و اگر علمی است، لذت گفتن "چه جالب" و احساس رضایت را زودتر تجربه کنیم.

**با در نظر گرفتن مطالبی که بیان شد به نکات زیر توجه نمائید:**

1. برخی از مطالب کوتاه که فاقد استدلال، تفسیر و تحلیل‌های اضافی هستند، باعث می‌شوند تا گستره دانش افراد افزایش یابد، ولی دانش آنها کم عمق باقی بماند. گستره دانش به این مفهوم است که یک فرد در مورد خیلی چیزها، اطلاعات کمی داشته باشد و عمق دانش به این مفهوم است که یک فرد در مورد تعدادی موضوع اندک، اطلاعات زیادی داشته باشد.

همین موضوع باعث می‌شود تا در مصاحبه‌های استخدامی وقتی از یک کارشناس ارشد و یا دانشجوی دکترا سوالاتی پرسیده می‌شود، ناتوان از تحلیل موضوع، پاسخ وی تنها در حد نیم خط و صرفاً تعریف آن موضوع باشد. غافل از این که مبنای سواد، تعریف موضوع نیست؛ بلکه تحلیل موضوع است که اهمیت دارد. البته ناگفته پیداست که حالت ایده آل، افزایش گستره دانش به همراه عمق آن می‌باشد.

2. برای صرفه جویی در وقت، تاکنون ابزارها و روش‌های مختلفی ارائه شده است؛ مانند شبکه اجتماعی توئیتر که فلسفه آن کوتاه نوشتن است؛ قرار دادن متن (کپشن) بر روی عکس‌های تلگرام؛ و یا گوگل که در سال ۲۰۱۰ ویژگی Google Instant را به خدمات خود اضافه کرد که به صورت خودکار تلاش می‌کرد تا قبل از اتمام تایپ کردن فرد، جستجو را کامل کند. این ویژگی باعث می‌شد تا برای هر جستجویی حدود ۲ تا ۵ ثانیه در زمان صرفه جویی شود.

به طور مثال اگر همه افراد جهان از Google Instant استفاده کنند، باعث خواهد شد تا در طول روز به صورت تقریبی حدود سه و نیم بیلیون ثانیه در زمان صرفه جویی شود. همچنین یکی از روش‌هایی که برای مقابله با سندروم TLDR به کار گرفته می‌شود، استفاده از نرم افزارها و اپلیکیشن‌هایی است که به صورت هوشمند، متن را خلاصه می‌کنند.

3. مطابق با بحث فراخوانی توجه و ثابت بودن اندازه آن، افراد عصر حاضر، کماکان می‌توانند به رسم قدیمیان متون طولانی را مطالعه کنند؛ به شرطی که عوامل ایجاد حواس پرتی را حذف کرده باشند. بنابراین شاید وقت آن رسیده تا گاه گاهی تلفن همراه خود را در حالت بی صدا قرار دهید؛ آلارم‌های لپ تاپ و کامپیوتر را خاموش کنید؛ به جای خلوتی بروید و فارغ از هیاهوی تکنولوژی‌های امروزی با لذت وافر به خواندن و مطالعه بپردازید.

4. موضوع حواس پرتی و عدم توجه و تمرکز افراد یکی از دغدغه‌های اصلی بازاریابان و کسانی که کارهای تبلیغاتی انجام می‌دهند نیز می‌باشد. در این راستا برای اثربخشی بیشتر تبلیغات، روش‌های متعددی پیشنهاد شده است؛ ولی کماکان در عصر آوار اطلاعات، رقابت برای جلب توجه، چالشی پایان ناپذیر به نظر می‌رسد.

5. برخی از بازاریابان و تبلیغ کنندگان با استفاده از کارکرد "لذت فوری"، می‌توانند مصرف کنندگان را به دام بیندازند. نظیر تبلیغاتی که حتماً برای همه شما آشناست: کاهش وزن در یک هفته؛ یادگیری زبان انگلیسی در یک ماه و...

6. نتایج پژوهشی جدید که در سال ۲۰۱۷ انجام شده و در نشریه دانشگاه هاروارد به چاپ رسیده، نشان می‌دهد یکی از عوامل تاثیرگذار بر لذت فوری، جمعیت کشورهاست. به این مفهوم که در کشورهای با جمعیت بیشتر، تمایل به برنامه‌ریزی‌های بلندمدت مانند سرمایه گذاری برای دوران بازنشستگی، سرمایه گذاری برای کودکان، و تفکر در مورد آینده بیشتر می‌شود.

7. خواندن این متن حدود ۶ دقیقه زمان نیاز دارد.